



تشکل های اقتصادی
بستری مناسب برای توسعه صنعتی
ضرورت کاهش شکاف تکنولوژیکی با جهان

محسن خلیلی
بهمن ۱۳۸۰
سخنی با پاران صنعتگر

آمادگی شرایط اجتماعی و سیاسی اروپای قرن هجدهم توانست آمیزه دانش و تجربه صنعتگران را به فناوری های کارسازی تبدیل سازد که با تغییر در تولید و توزیع انرژی، چهره جهان را بکلی دگرگون ساخت و راه تاریخی جدیدی بوجود آورده و انقلاب صنعتی و عصر اقتصاد صنعتی تحقق یابد. این برتری فناوری امکان سلطه معدودی از کشورهای اروپایی و اخلاف امریکایی آنان را بر جهان فراهم نمود. امروزه جهان در آستانه انقلاب فناوری اطلاعاتی و اقتصاد فراصنعتی، در معرض تغییرات و تحولات سریع تر و عمیق تری قرار دارد در حالیکه مقایسه با آغاز انقلاب صنعتی، کشورهای توسعه یافته در موقعیتی برتر و کشورهای توسعه نیافته در موقعیت ضعیف تری واقع شده اند. همین امر نیز مسئولیت های بیشتر و خطیرتری را متوجه مسئولان کشورهای توسعه نیافته می سازد تا در این گذرگاه پر خطر تاریخی با کیاست و هشیاری و با اتکا به خرد و مشارکت جمعی، اقتصاد ملی خود را از خطر سقوط برهانند.

جهانی شدن متمایز ترین وجه اقتصاد فراصنعتی به شمار می آید که با فراهم آوردن آزادی جریان کالا و خدمات و به تبع آن جریان آزاد سرمایه، نیروی کار، اطلاعات و یکپارچگی تجارت و ارتباطات به تشدید رقابت در سطح جهان منجر شده است. جهانی شدن نیز مانند هر پدیده فراگیر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجوه متفاوت و پیامدهای مثبت و منفی فراوانی دارد. جهانی شدن هزینه تولید و به تبع آن هزینه مصرف کنندگان به میزانی باورنکردنی کاهش و سطح بهره وری را افزایش داده است و به توسعه ارتباطات، دسترسی بیشتر به اطلاعات، تبادل افکار، دمکراتیزه شدن بیشتر جوامع و ارتقا اعتماد جهانی منجر گردیده است و از سوی دیگر نیز نابرابری در فرصت های شغلی و درآمد و همچنین قطبی شدن توزیع ثروت در جهان را تشدید نموده است.

جهانی شدن از یک سو فرصت های تاریخی و از سوی دیگر تهدیدهای بزرگی را فراروی جهان قرار داده است. تبدیل تهدیدها به فرصت و بهره گیری از فرصت ها برعهده ما قرار دارد. نباید فراموش کرد که فرصت ها پرنندگان گریز پایی هستند که شکار آنها نیازمند اراده آگاه و قوی، سرعت عمل و آمادگی کامل است. بازسازی و تجدید حیات صنعت ایران نیز فرصتی گرانبهاست که ذینفعان صنعت کشور می باید با درک روندهای جهانی و تفاهم اصولی بر جایگاه ایران در عرصه جهان و شناخت و بهره گیری از واقعیت ها و مزیت های نسبی در اقتصاد ایران وظیفه و مسئولیت خود را به انجام برسانند. تحولات جهانی نقش و جایگاه عناصر و نهادها در سطح ملی و همچنین روابط بین جوامع و کشورها را دستخوش تغییر ساخته است و درک این نکته می تواند در توسعه روابط ایران و جهان کمک ارزنده ای نماید.

تجربه چند دهه استیلای دولت بر اقتصاد و صنعت این دستاورد بزرگ ملی را به همراه داشته است که توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در گرو دولتی نخبه و قدرتمند از لحاظ فکری و فارغ از تصدی گری است و تصدی امور صنعت را می باید به صنعتگران و کارآفرینان سپرد. این گفتار به بررسی فرآیند جهانی شدن و پیامدهای آن بر اقتصاد ایران و همچنین برخی از وجوه بازسازی صنعت کشور پرداخته و ضمن طرح دغدغه هایی در این زمینه، راهکارهایی بویژه در ارتباط با نقش و وظایف صنعتگران و کارآفرینان و نهادها و تشکل های صنعتی پیشنهاد می نماید.

فرایند جهانی شدن اقتصاد و ضرورت تجدید ساختار صنعت ایران

جهان ما، سال های پر التهابی را می گذراند. انقلاب جدید علمی و فناوری بویژه در عرصه اطلاعات و ژنتیک، سقوط کمونیسم و پایان جنگ سرد، تجدید ساختار نظام سرمایه داری، فرایند جهانی شدن اقتصاد، ظهور قطب های جدید اقتصادی و بحران در حاکمیت دولتها، جهان را درگیر فرایندهای تاریخی مهمی نموده است که تاثیرات شگرف و عمیقی را به همراه خواهد داشت. از یک سو تقویت نقش و حقوق شهروندی، قوت گیری نهضت های اجتماعی، اهمیت یافتن حمایت از زیست بوم های طبیعی، تغییر طبیعت کار و درک ضرورت توسعه پایدار، بازگشت به دیدگاه های معنوی و دینی، توجه به نقش فرهنگ های بومی و تقویت نقش نهادهای مدنی و اتکا به مشارکت فعال و موثر شهروندان در سطوح ملی و بین المللی امید به جهانی بهتر را نوید می دهد در حالیکه از سوی دیگر تشدید تهدیدهای جهانی مانند رشد مافیای اقتصادی در تراز جهانی، تروریسم، رشد بی رویه جمعیت جهان، تغییرات آب و هوا، کاهش آب شیرین، افزایش فاصله بین فقیر و غنی، پدیدار شدن انواع جدیدی از بیماری ها، برخوردهای مذهبی، قومی و نژادی فقط برخی از موضوعات مهم و نگران کننده ای است که باید بدان پرداخته شود.

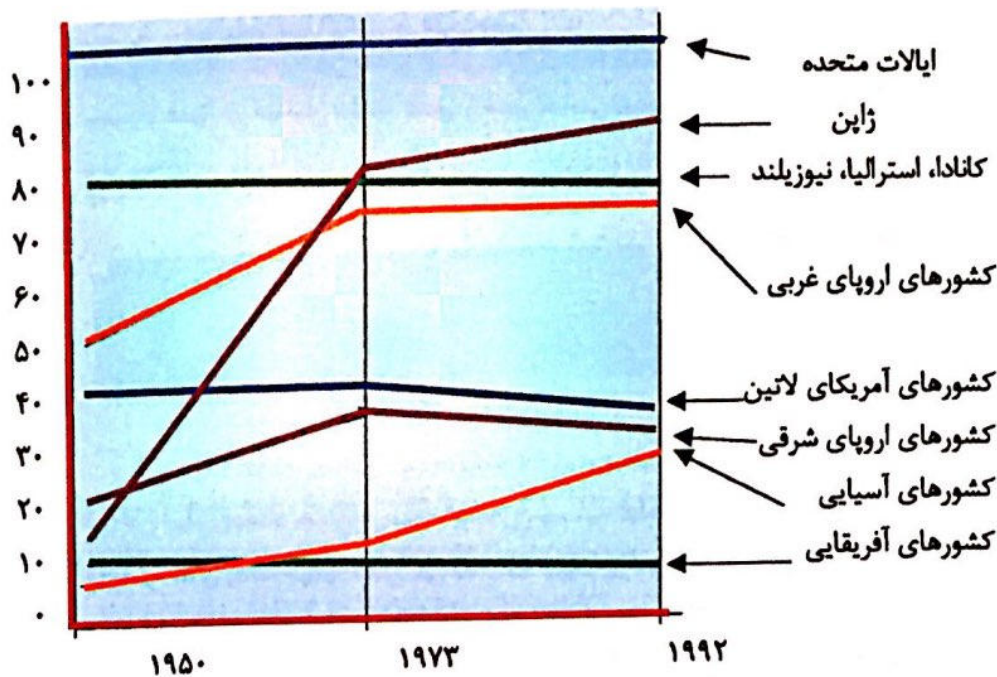
هر چند اقتصاد جهانی به معنای مبادلات تجاری در سطح جهان از دیرباز وجود داشته است. اما فرایند جهانی شدن پدیده نوظهوری است که در مقام یک واقعیت اجتماعی جدید، دربرگیرنده فعالیت های استراتژیک مسلطی است که قادرند در یک واحد به هم وابسته، انواع کارها و فعالیت های اقتصادی را در تراز جهانی به مورد اجرا در می آورند. اقتصادهای ملی، منطقه ای و محلی در نهایت متکی به پویایی این نوع اقتصاد بوده و از طریق شبکه های اطلاعاتی و بازارها به آن وابسته گردیده اند. هر چند آثار، عوارض و محصولات اقتصاد جهانی در سرتاسر سیاره زمین پدیدار گشته است، اما همه بخش ها در آن فعالیت ندارند و در واقع بخش چشمگیری از جمعیت جهان از دایره فعالیت و عملکرد این اقتصاد بیرون می مانند. خصلت اقتصاد جهانی و فراصنعتی چنان است که بخش ها، بازارها و جمعیت های تروتمند را به یکدیگر متصل ساخته و در یک چرخه تولید سود به همکاری وامی دارد و بخش ها و بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود طرد می کند. به عبارت دیگر اقتصاد فراصنعتی که دارای انعطاف زیاد، گسترش پذیر و بسط یابنده و در عین حال متکی به منطق شبکه است، سبب می گردد بخش ها و مناطق دارای پیوندهای استراتژیک با این شبکه فعال شده و بخش های فاقد پیوند از فعالیت باز مانند.

در فرایند جهانی شدن اقتصاد، بهره وری و رقابت میان شرکت ها و بنگاه های تجاری، مناطق و حوزه های اقتصادی و کشورها، از یک سو به صورت فزاینده ای تشدید گردیده و از سوی دیگر بیش از هر زمان دیگری به معرفت و دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله فناوری مدیریت و مدیریت فناوری متکی شده است. این تحولات سریع و عمیق به گسترش شکاف و فاصله قابل توجه و نگران کننده ای بین توانمندی های رقابتی کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه از جمله ایران منجر گردیده است. این کشورها اگر نتوانند این فاصله را پشت سرگذارده و خود را به وضعیت رقابت پذیری در تراز جهانی برسانند، از

محدوده عملکرد اقتصاد فراصنعتی جهانی طرد گردیده و منزوی خواهند شد. طی کردن این فاصله بدون دگرگونی وسیع و عمیق در ساختار صنعت کشور و تغییر اساسی محیط حاکم بر آن میسر نیست.

دوقطبی شدن توزیع ثروت در جهان

ویژگی اصلی اقتصاد جهان در نیمه دوم قرن بیستم، تفاوت بازده سرانه در کشورهای مختلف می باشد. پژوهش های بانک جهانی نشان می دهد که نسبت درآمد سرانه ثروتمندترین و فقیرترین کشورها از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۸۹ شش برابر شده است و انحراف معیار سرانه تولید ناخالص داخلی از ۶۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. در بیشتر نقاط جهان، این نابرابری جغرافیایی در تولید و کسب ثروت در دو دهه انتهای قرن بیستم افزایش یافته است، و این در حالی است که تفاوت میان کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی با سایر کشورهای جهان که اکثریت قاطع جمعیت جهان را در خود جای داده اند هنوز بسیار هولناک است. نمودار شماره یک رشد شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی برای گروهی از کشورهای منتخب را ارایه میدهد که براساس ارزش نسبی شاخص آنها در برابر ایالات متحده بین سال های ۱۹۵۰، ۱۹۷۳ و ۱۹۹۲ رتبه بندی شده اند. کشورهای موضوع بررسی را شانزده کشور اروپای غربی شامل اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس و بریتانیا سه کشور کانادا، استرالیا و نیوزیلند، هفت کشور اروپای شرقی شامل بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان، رومانی، شوروی، یوگوسلاوی، هفت کشور آمریکای لاتین شامل آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، مکزیک، پرو، ونزوئلا و ده کشور آسیایی شامل بنگلادش، برمه، چین، هند، اندونزی، پاکستان، فیلیپین، کره جنوبی تشکیل می دهد. در چهار دهه گذشته، ژاپن تقریباً موفق شده است خود را به آمریکا برساند؛ اروپای غربی در عین حال که جایگاه نسبی خود را بهبود بخشیده است، هنوز فاصله زیادی با آمریکا دارد.



نمودار شماره یک: روند تغییر درآمد سرانه ۵۵ کشورهای منتخب نسبت به ایالات متحده

عقب ماندگی کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و اروپای شرقی طی دوره ۹۲-۱۹۷۳ افزایش یافته است. ده کشور آسیایی از جمله کره جنوبی، چین و تایوان جایگاه نسبی خود را به نحو چشمگیری بهبود بخشیده اند ولی در سال ۱۹۹۲، از نظر قدر مطلق، آسیایی ها هنوز فقیرتر از سایر مناطق جهان بجز آفریقا هستند و در مجموع دارایی این کشورها تنها معادل ۱۸ درصد ثروت امریکاست.

با این همه، اگرچه توزیع ثروت بین کشورها همچنان نابرابر مانده است ولی به طور کلی، در طی سه دهه گذشته میانگین سطح زندگی جمعیت جهان که با شاخص توسعه انسانی سازمان ملل اندازه گیری شده مرتباً در حال افزایش بوده است. این امر در وهله اول ناشی از فراهم آمدن فرصت های آموزشی بهتر و بهبود استانداردهای بهداشتی است که در افزایش چشمگیر امید به زندگی خود را نشان می دهد، به نحوی که در کشورهای در حال توسعه امید به زندگی بویژه برای زنان از ۴۶ سال در دهه ۱۹۶۰ به ۶۲ سال در ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

در رویکردی جهانی، در طی سه دهه گذشته شاهد افزایش نابرابری و قطبی شدن بیشتر توزیع ثروتها بوده ایم. به موجب گزارش سال ۱۹۹۶ توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل، در سال ۱۹۹۳ از مجموع ۲۳ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی، تنها ۵ تریلیون دلار سهم کشورهای در حال توسعه بود، در حالیکه ۸۰ درصد جمعیت جهان در این کشورها زندگی میکنند. طی ۳۰ سال گذشته، سهم ۲۰ درصد از فقیرترین مردمان جهان از درآمد جهانی از ۲/۳ درصد به ۱/۴ درصد کاهش یافت. در همان مدت، سهم ۲۰ درصد ثروتمندترین مردمان جهان از ۷۰ درصد به ۸۵ درصد افزایش یافت. به این ترتیب نسبت سهم ثروتمندترین افراد به فقیرترین افراد دو برابر شده است. شکاف درآمد سرانه بین کشورهای جهان صنعتی و در حال توسعه سه برابر شده و از ۵۷۰۰ دلار امریکا در سال ۱۹۶۰ به ۱۵ هزار دلار امریکا در سال ۱۹۹۳

رسیده است. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۱، همه مردم جهان بجز ۲۰ درصد جمعیت ثروتمند شاهد کاهش درآمد خود بودند، به نحوی که تا سال ۱۹۹۱ سهم بیش از ۸۵ درصد از جمعیت جهان تنها ۱۵ درصد از درآمد جهان بوده است.

از سوی دیگر، رشد نابرابری میان کشورها در مناطق مختلف جهان نیز دارای ناهمگونی چشمگیری است. در دو دهه گذشته، نابرابری درآمدها در ایالات متحده، بریتانیا، برزیل، آرژانتین، ونزوئلا، بولیوی، پرو، تایلند و روسیه و بسیاری از دیگر کشورها افزایش یافته است. ولی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، در هند، مالزی، هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان، و کره جنوبی نابرابری درآمدها کاهش یافته است. این اختلاف در تغییر سطح نابرابری درآمدها بین مناطق مختلف جهان احتمالاً به دو عامل عمده ارتباط دارد. برای کشورهای در حال توسعه، میزان مهاجرت روستایی به شهرها عامل تعیین کننده ای است عامل اصلی، نابرابری توزیع درآمدها و تفاوت شدید سطح درآمد مناطق روستایی و مناطق شهری است که حتی دلیل فقر گسترده در مناطق شهری نیز هست.

با این که رشد نابرابری در کشورهای مختلف متفاوت است، به نظر می رسد که رشد فقر جهانی و بویژه بینوایی به معنای زندگی در زیر خط فقر به پدیده ای جهانی تبدیل شود. در واقع، شتاب گرفتن توسعه نابرابر به دوقطبی شدن جامعه و گسترش فقر و بدبختی در میان شمار روزافزونی از مردم می انجامد. نگاهی به گزارش برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۶ نشاندهنده این واقعیت تلخ می باشد:

از سال ۱۹۸۰ پانزده کشور با موج شدیدی از رشد اقتصادی تجربه کرده اند و درآمد اکثریت جمعیت ۱/۵ میلیارد نفری خود را که معادل یک چهارم جمعیت جهان است را به شدت افزایش داده اند. ولی در بیشتر این دوران، نزول یا رکود اقتصادی بر بیش از ۱۰۰ کشور حاکم بوده و درآمد ۱/۶ میلیارد نفر را کاهش داده است که این نیز تقریباً بیش از یک چهارم جمعیت جهان است. در هفتاد کشور میانگین درآمد طی دهه ۱۹۹۰ از میانگین این شاخص در دهه ۱۹۸۰ کمتر شده و در ۴۳ کشور از دهه ۱۹۷۰ نیز کمتر شده است، و این در حالی است که در طول سال های ۸۵-۱۹۷۰ تولید ناخالص ملی در سطح جهان ۴۰ درصد افزایش یافته است، با وجود این، ۱۷ درصد بر تعداد فقرا افزوده شده است. در حالی که طی سال های ۸۰-۱۹۶۵ تعداد ۲۰۰ میلیون نفر شاهد کاهش درآمد سرانه خود بودند، طی سال های ۹۳-۱۹۸۰ این رقم به بیش از یک میلیارد نفر افزایش یافت. ضروری است که نهادهای مسئول تصویرهای روشنی از جایگاه ایران در توزیع ثروت جهانی و روند آن ارائه نمایند.

نگاهی به شاخص های رقابت پذیری صنعت ایران مانند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد صنعتی، سهم ارزش افزوده تولید صنعتی، میزان و سهم صادرات صنعتی، نرخ سرمایه گذاری و تشکیل سرمایه ناخالص و بهره وری عوامل تولید و مقایسه آن حتی با کشورهای کمتر توسعه یافته نیز همگان را به این باور می رساند که اقتصاد و صنعت ما با پدیده عقب ماندگی جدی در ابعاد گوناگون مواجه است و به بیان که در طرح نوسازی صنایع کشور تهیه شده در وزارت صنایع و معادن ارائه شده است: غیر رقابتی بودن صنایع کشور تنها به لحاظ قدیمی بودن ماشین آلات و خطوط تولیدی نیست، بلکه ناشی از یک وضعیت عقب ماندگی در ابعاد مختلف سرمایه ای، تجهیزاتی، تکنولوژی، پژوهشی، مهارتی، مدیریتی، منابع انسانی و بازاریابی است و این عوامل، پیامدهای سازگار نبودن عوامل محیطی حاکم بر فعالیت های تولیدی و صنعتی می باشد.

نگاهی به وضعیت اقتصاد و صنعت ایران

برنامه ریزی برای توسعه صنعتی در ایران به شیوه کنونی، سابقه ای بیش از نیم قرن دارد و در تملی این سالها، افزایش سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی، افزایش میزان تولید ناخالص داخلی، دستیابی به استقلال و خودکفایی صنعتی، کاهش فاصله فناوری صنعت کشور با جهان، افزایش صادرات صنعتی، استفاده بهینه از منابع ملی، افزایش درآمد سرانه و افزایش اشتغال اهداف برنامه های گوناگونی بوده است که به منظور توسعه و نجات صنعت و صنعتی شدن کشور تنظیم و به اجرا درآمده است اما امروزه نتایج حاصل، تصویری کاملاً متفاوت با آنچه مورد نظر بوده است، عرضه می نماید.

جدول شماره یک : مقایسه برخی از شاخص های صنعتی و اقتصاد ایران با چند کشور در حال توسعه

ردیف	شرح	ترکیه	مصر	هند	مالزی	چین	کشورهای کمتر توسعه یافته	ایران
۱	نرخ رشد صنعتی ۱۹۹۵	۴/۲	۵/۳	۸	۱۰/۸	-	۱۱/۸	۴/۹
۲	نرخ رشد اقتصادی ۱۹۹۵	۵/۹	۴/۲	۶/۱	۷/۴	-	۷/۴	۳/۶
۳	سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی ۱۹۹۸	۲۳/۹	-	۱۷/۷	۳۰/۱	۴۲/۲	۲۴	۱۳/۶
۴	نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی	۱۲/۹	-	۵/۴	۹۸	۱۸/۶	-	۱/۷
۵	نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات	۸۹/۴	-	۷۱/۷	۹۱/۸	۹۴/۱	-	۸/۳
۶	میزان صادرات صنعتی	۲۳/۷	-	۲۳/۷	۷۷/۵	۸۲/۵	-	۱/۷

مقایسه نرخ رشد صنعتی و اقتصادی ایران با کشورهای آسیایی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به قیمت های ثابت نشان می دهد که نرخ رشد صنعتی در ایران از متوسط نرخ رشد کشورهای آسیایی کمتر توسعه یافته نیز بسیار کمتر است و ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی از سهم متناسبی برخوردار نیست. بررسی روند تغییرات نرخ رشد صنعتی ایران در چند دهه گذشته نشاندهنده نوسان های قابل توجه ای است و این امر نشانگر تاثیر شدید عوامل محیطی بر صنعت کشور می باشد.

در حالی که یک درصد جمعیت جهان در ایران زندگی می کنند و بخش قابل توجهی از منابع و ذخایر معدنی جهان و همچنین ۹ درصد از منابع نفت و ۱۷ درصد از منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند ولی سهمی کمتر از ۲٪ درصد از صادرات صنعتی جهان را در اختیار دارند که کمتر از یک پنجم متوسط صادرات صنعتی جهان می باشد و این در حالی است که متوسط قیمت یک کیلوگرم کالای صادراتی کشور کمتر از نصف قیمت یک کیلوگرم کالای وارداتی کشور می باشد.

سهم صادرات صنعتی ایران از ۱/۳ میلیارد دلار (معادل ۷٪ صادرات کشور) در سال ۱۳۷۴ به ۱/۶ میلیارد دلار (معادل ۱۲٪ صادرات) در سال ۱۳۷۷ افزایش یافته و مجدداً در سال ۱۳۷۸ به ۸/۳٪ صادرات کشور تنزل یافته است مقایسه صادرات صنعتی ایران با چند کشور در حال توسعه در جدول شماره ۲ نشاندهنده میزان فاصله موجود با آنهاست.

جدول ۲: میزان و سهم صادرات صنعتی در صادرات کل کشور

سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
صادرات صنعتی *	۱۲۷۶/۲	۱۴۱۳/۱	۱۵۷۹/۸	۱۵۸۸/۲	۱۷۴۷/۴
صادرات کشور **	۱۸۳۶۰	۲۲۳۹۱	۱۸۳۸۱	۱۳۱۸۱	۲۱۰۳۰
سهم صادرات صنعتی در صادرات کشور	۷٪	۶/۳٪	۸/۶٪	۱۲٪	۸/۳٪

میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان نیز نشان دهنده عدم جذابیت کشور ما برای جذب سرمایه هاست.

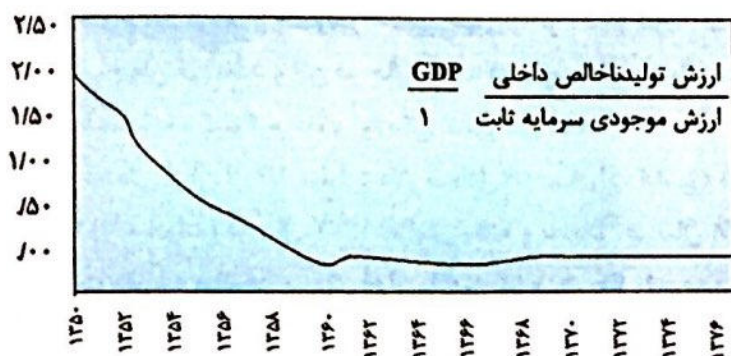
جدول ۳: سرمایه گذاری مستقیم خارجی، خالص جریان ورودی (میلیون دلار آمریکا)

نام کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹
چین	۳۵۸۴۹	۴۰۱۸۰	۴۴۲۳۷	۴۳۷۵۱	۳۸۷۵۲
هند	۲۱۴۴	۲۴۲۶	۳۵۷۷	۲۶۳۵	۲۱۶۹
ایران	۱۷	۲۶	۵۳	۲۴	۸۵
مالزی	۴۱۷۸	۵۰۷۸	۵۱۳۷	۲۱۶۳	۱۵۵۳
پاکستان	۷۲۳	۹۲۲	۱۷۱۶	۵۰۷	۵۲۰
ترکیه	۸۸۵	۷۲۲	۸۰۵	۹۴۰	۷۸۳

میزان تشکیل سرمایه ناخالص در ایران در سال ۱۹۹۹ معادل ۱/۲٪ انگلستان، ۴٪ چین، ۴/۸٪ مالزی، ۷٪ پاکستان، ۲۳٪ ترکیه بوده است.

براساس گزارش سازمان ملی بهره وری ایران در بهار ۱۳۷۹، بهره وری سرمایه طی سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۷ روند به شدت نزولی داشته و از ۲/۵۹ در سال ۱۳۴۵ به ۱/۶۴ در سال ۱۳۷۷ کاهش یافته است (نمودار شماره دو)

نمودار دو : نسبت ارزش تولید ناخالص داخلی به ارزش موجودی سرمایه ثابت در ایران
به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱



فناوری، بهره وری و تاثیر آن بر توان رقابتی

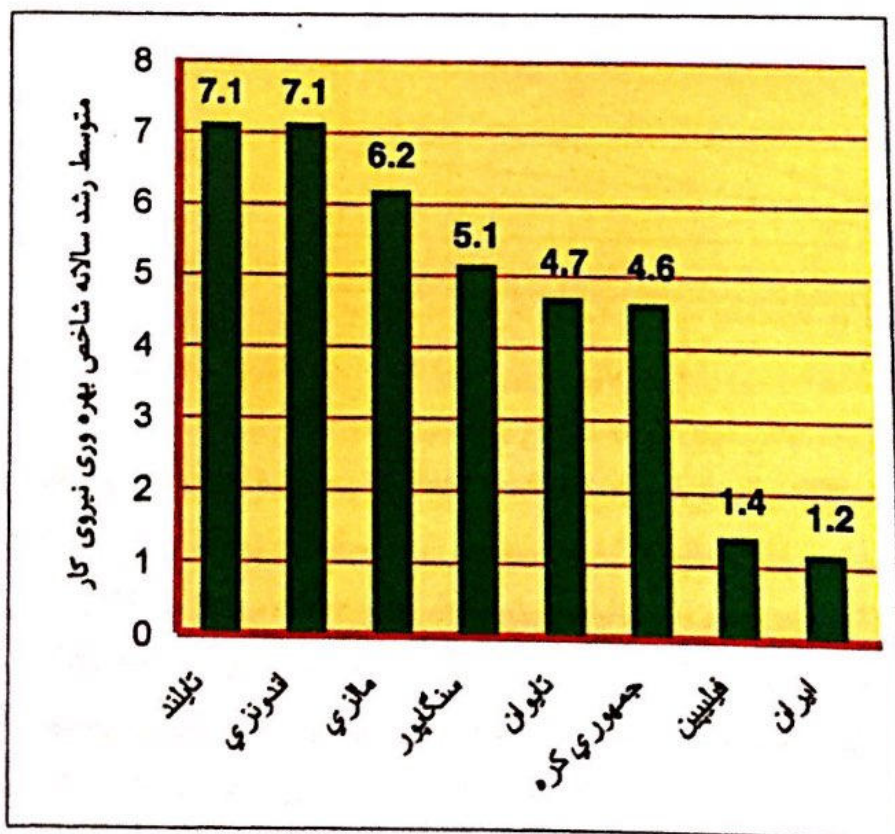
تجارب انقلاب صنعتی نشان داد که بهره وری محرک پیشرفت اقتصادی است ، با افزایش نسبت خروجی به ورودی فعالیت ها بود که انسان بر قوای طبیعت فایق آمد و در این فرایند تمدن بشری را شکل داد . در واقع شیوه های افزایش بهره وری ، ساختار والگوی تحول یک نظام اقتصادی معین را تعیین می کند . تاریخ اقتصاد نشان داده است که فناوری از طریق افزایش بهره وری نقش بنیادین در رشد اقتصادی ایفا می کند. در جهان امروز ، بهره وری و توان رقابتی واحدهای صنعتی (شرکتهای ، مناطق و یا کشورها) اساساً " به ظرفیت تولید ، پردازش و کاربرد موثر اطلاعات مبتنی بر دانش بستگی دارد . عوامل اصلی این اقتصاد مانند سرمایه ، کار ، مواد خام ، مدیریت ، فناوری ، اطلاعات، بازار و همچنین فعالیت های اصلی در مقیاس جهانی و بصورت شبکه ای سازماندهی شده است. این اقتصاد شبکه ای به طور فزاینده ای قادر است پیشرفت در فناوری ، دانش و مدیریتی را در خود فناوری ، دانش و مدیریت به کار بندد و دور بی پایانی از بهره وری و کارایی بیشتر را به همراه آورد . روند جهانی شدن نیز به نوبه خود به رشد بهره وری کمک می کند زیرا شرکت ها هنگام رویارویی با رقابت شدید در تراز جهانی ناگزیرند که عملکرد خود را بهبود بخشند .

مطالعات موسسه جهانی مک کینزی در موضوع " ارتباط بهره وری تولید صنعتی در آمریکا ، ژاپن ، آلمان " بین شاخص های جهانی شدن که میزان رقابت پذیری در سطح جهانی را اندازه گیری می کند و عملکرد نسبی بهره وری ، همبستگی زیادی نشان می دهد . بنابراین پیوند میان فناوری اطلاعات و تحول سازمانی و رشد بهره وری به میزان زیادی از مجرای رقابت جهانی عبور می کند . تلاش شرکتها برای کسب سود بیشتر و تلاش کشورها برای بالابردن بهره وری بدون ارتقا سطح فناوریها میسر نیست . در حالیکه شاخص های

بهره وری یعنی نسبت برونداد به درونداد در جهان روندی افزایشی را طی می کند. شاخص های بهره وری در ایران با روندی نزولی همراه بوده است. براساس گزارش سازمان ملی بهره وری در بهار ۱۳۷۹ بهره وری انرژی و بهره وری نیروی کار همانند بهره وری سرمایه روندی کاهشی را نشان می دهد. گزارش یاد شده تصویر مشابهی نیز از بهره وری نیروی کار بدست می دهد.

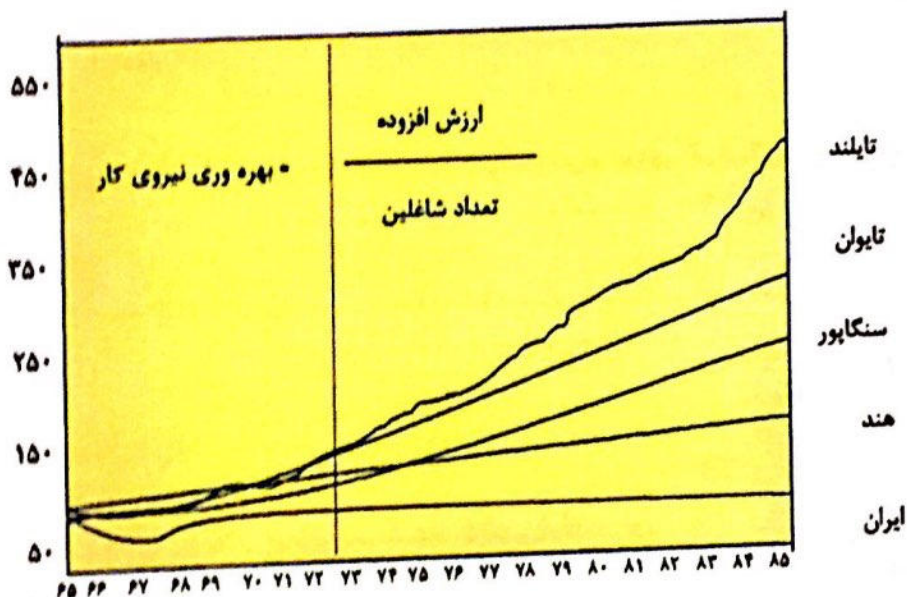
متوسط رشد سالانه شاخص بهره وری نیروی کار به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۵ در کل اقتصاد ایران طی دوره ۷۶-۱۳۶۵ حدود ۱/۲ درصد بوده است. رشد همین شاخص طی دوره مشابه برای کشورهای تایلند ۷/۱، تایوان ۴/۷، جمهوری کره ۴/۶، سنگاپور ۵/۱، مالزی ۶/۲، اندونزی ۷/۱ و فیلیپین ۱/۴ درصد بوده است. شایان توجه است که طی دوره بررسی بجز دو کشور مغولستان و بنگلادش که از این حیث وضع مناسبی نداشته است بقیه کشورهای عضو سازمان بهره وری آسیایی نسبت به ایران دارای وضع بهتری بوده اند. (نمودار ۴)

نمودار ۴: متوسط رشد سالانه شاخص بهره وری نیروی کار در کل اقتصاد برخی از کشورهای عضو سازمان بهره وری آسیایی به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۵ طی سال های ۱۳۶۵ الی ۱۳۷۶



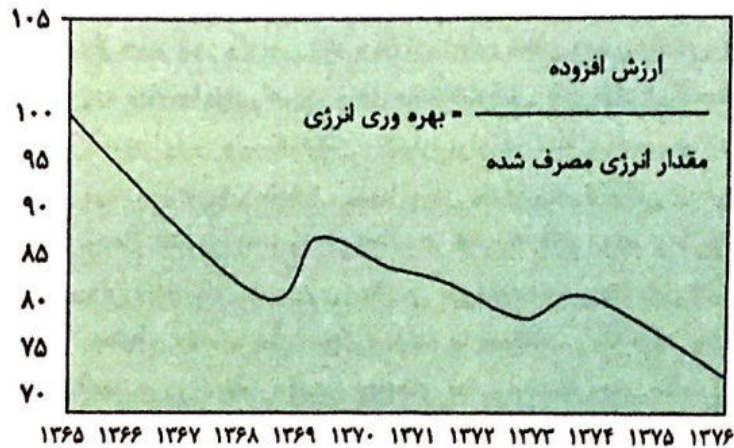
اگر جمهوری اسلامی ایران قادر نباشد که فاصله موجود خود با کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی عضو سازمان بهره وری آسیایی را طی دوره چند ساله برطرف کند اختلاف سطوح توسعه یافتگی ایران با آنها عمیق تر خواهد شد جهت بدست آوردن تصویری از این اختلاف فاحش، روند تفهیرات شاخص بهره وری نیروی کار ایران و برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا با فرض تداوم نرخ رشد دهه ۷۵-۱۳۶۵ در دهه بعد برای کل اقتصاد در نمودار ۵ ارایه شده است.

نمودار ۵: رشد شاخص بهره وری نیروی کار کل اقتصاد برخی از کشورهای عضو سازمان بهره وری آسیایی طی سال های ۱۳۶۵ الی ۱۳۸۵



شاخص بهره وری انرژی در کل اقتصاد به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱ طی دوره ۷۶-۱۳۶۵ دارای نوساناتی با روند کلی کاهشی بوده است. این شاخص از ۱۰۰ در سال ۱۳۶۵ به پایین ترین اندازه خود یعنی ۷۳/۸ در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته و سپس با افزایش مختصری در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به ترتیب به ۷۶/۹ و ۷۵/۴ درصد افزایش یافته و مجدداً در سال ۱۳۷۶ به ۷۳/۸ تنزل کرده است. شایان توجه است طی دوره بررسی شاخص بهره وری انرژی سالانه بطور متوسط ۲/۷- درصد کاهش داشته است.

نمودار شماره ۳: روند تغییرات شاخص بهره وری انرژی در کل اقتصاد به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۱ طی سال های ۱۳۶۵ الی ۱۳۷۶



نگاهی به وضعیت فناوری در جهان و ایران

انقلاب صنعتی در قرن هیجدهم میلادی آغاز و طی مراحل مختلفی تا قرن بیستم به شکوفایی رسید. نخستین مرحله انقلاب صنعتی را جایگزینی ماشین ها با ابزار دستی تشکیل می داد که با بکارگیری ماشین بخار و ماشین های ریسندگی آغاز گردید. اختراع برق، موتورهای درون سوز، صنعت شیمی با مبنای علمی و همچنین گسترش تلگراف و سپس تلفن و رادیو به عنوان فناوری های ارتباطی از تحولات مهم در مراحل بعدی به شمار می آیند. بررسی تحولات انقلاب صنعتی نشان دهنده اهمیت روز افزون دانش در توسعه فناوری ها است. در این انقلاب موجی عظیم از کاربردهای دانش در فناوری های مختلف کشاورزی و صنعت ارتباط فرایندهای تولید و توزیع را دگرگون ساخت و سیلی از فرآورده های جدید را روانه بازارهای در حال توسعه نموده و این امر پایگاه های ثروت و قدرت را در سطح جهان جابجا نمود. سیاره ما به ناگهان در دسترس کشورها و نخبگانی قرار گرفت که قادر بودند فناوریهای جدیدی را توسعه داده و بکار گیرند. این برتری فناوری به معدودی از کشورهای اروپایی و اخلاف امریکایی آنها امکان برتری بر قدرت های غالب پیش از انقلاب صنعتی را داد. آمادگی شرایط اجتماعی و سیاسی اروپای قرن هجدهم و متاثر از عصر روشنگری (رنسانس) زمینه های مناسبی فراهم آورد که آمیزه دانش و تجربه صنعتگران به فناوریهای جدید صنعتی کارسازی بدل گردد که چهره جهان را بکلی دگرگون سازد و راه تاریخی جدیدی بوجود آورد.

تحقق آزادی های فردی، توسعه سیاسی، نهادینه شدن حقوق مالکیت، ویژگیهای نظامهای آموزشی و علمی و شکوفایی هنر در اروپای آن زمان نقش مهمی در ایجاد و گسترش انقلاب صنعتی داشت. در واقع پیشرفت های فناوری به صورت گروهی و در ارتباط متقابل رخ دادند و بطور فزاینده ای یکدیگر را تقویت کردند. در واقع نوآوری تکنولوژیکی منفک از سایر امور رخ نمی دهد و نشان دهنده سطح معینی دانش، محیط مناسب صنعتی، سطح معینی از دسترسی به مهارتها برای تعریف و حل مشکلات فنی، طرز تفکری اقتصادی برای مقرون به صرفه کردن کاربردها و نیز شبکه ای از تولید کنندگان و کاربران است که می توانند تجربه های خود را به نحو فزاینده ای منتقل کرده و از طریق استفاده و پدید آوردن یاد بگیرند. نخبگان از طریق پدید آوردن یاد می گیرند و به این ترتیب کاربردهای فناوری را تغییر می دهند، در حالی که اکثر مردم از طریق استفاده یاد می گیرند و از این رو در محدوده کاربران و فضای فناوری باقی می ماندند. کنش متقابل نظام های نوآوری فناوری و وابستگی آنها به "محیطی مناسب برای تبادل اندیشه ها مشکلات و راه حلها" یکی از اصلی ترین درس های انقلاب صنعتی به شمار می رود. نقش کلیدی نهادهای مدنی و تشکل های صنعتی و حرفه ای و انجمن های علمی در شکل گیری و تحقق انقلاب صنعتی را نیز در ایجاد محیط تبادل اندیشه و نظر به روشنی می توان دریافت.

روند تغییر شاخص های زندگی و رشد اقتصادی که بیش از قرن هجدهم پیشرفت چشمگیری نداشت، تحت تاثیر مثبت فناوری های جدید صنعتی کاملاً دگرگون گردید. این واقعیت را از دگرگونی روند تغییر در شاخص های "مصرف سرانه" و "امید به زندگی" می توان دریافت.

اگرچه انقلاب صنعتی گستره وسیعی از فناوری های جدید در عرصه های مختلف را به همراه آورد و یک سیستم صنعتی همه جانبه را شکل داد، اما نوآوری بنیادین آن در تولید، توزیع و مصرف انرژی قرار داشت. ماشین بخار که به عنوان "نماد آغاز انقلاب صنعتی" به شمار می آید نشان از تغییر در تولید و توزیع انرژی داشت. پیشرفت های خارق العاده در صنایع مختلف نیز تنها از رهگذر تولید و توزیع برق میسر گردید.

توسعه فناوری از دهه ۱۹۴۰ میلادی در مسیری متفاوت قرار گرفت که آن را می توان با "انقلاب فناوری اطلاعات" مشخص نمود. گرچه تاریخچه فناوری های اطلاعاتی را می توان با اختراع تلگراف، تلفن و رادیو مرتبط دانست ولی پیشرفت های عمده در الکترونیک رخ داد. امروزه مجموعه ای همگرایی از فناوری های در میکرو الکترونیک، کامپیوتر، مخابرات، الکترونیک نوری، انفورماتیک، شبکه ها، هوش مصنوعی و حتی مهندسی ژنتیک را که بر کشف رمز، تغییر و برنامه نویسی مجدد رمزهای اطلاعاتی موجود زنده متمرکز است را نیز در زمره تکنولوژی اطلاعات می دانند.

در دو دهه آخر قرن بیستم مجموعه ای از پیشرفت های عمده فناوری در مواد پیشرفته، منابع انرژی، کاربردهای پزشکی، روش های طراحی و تولید و پشتیبانی از جمله حمل و نقل در کنار دیگر پیشرفت ها در حال شکل گیری بوده است. افزون بر این، روند کنونی تحول فناوری به دلیل توانایی اش در ایجاد فصل مشترک بین عرصه های مختلف از طریق زبان مشترک دیجیتال که در آن اطلاعات تولید، ذخیره، بازیابی، پردازش و منتقل می شود با شتاب فراوانی گسترش یافته است. همانگونه که تولید و توزیع انرژی زیربنای جامعه صنعتی بود تکنولوژی های پردازش اطلاعات و ارتباطات زیربنای جامعه فراصنعتی به شمار می آیند. انقلاب صنعتی با این که بر شالوده ای علمی استوار نبود، به استفاده گسترده از اطلاعات و کاربرد و گسترش دانش پیشین اتکا داشت. ویژگی بارز انقلاب تکنولوژیکی کنونی نه محوریت دانش و اطلاعات، بلکه کاربرد این دانش و

اطلاعات در تولید دانش و وسایل پردازش - انتقال اطلاعات در یک چرخه بازخورد فراینده میان نوآوری و کاربردهای نوآوری است.

سرعت گسترش و تعمیق انقلاب فناوری اطلاعات در ابعاد گوناگون از جمله میکروالکترونیک، ریز فناوری (نانو تکنولوژی) و فناوریهای زیستی قابل مقایسه با این ویژگی ها در انقلاب صنعتی نیست، شواهد نشان دهنده رشد انفجاری کاربردهای این فناوری هاست اما سرعت انتشار آنها گزینشی است و زمانبندی متفاوت برای دسترسی مردم کشورها و مناطق به فناوری های جدید به منبع اصلی نابرابری در جهان امروز تبدیل گردیده است. زیرا کاربرد فناوری های اطلاعاتی تاثیرات مهمی بر رشد بهره وری و توان رقابتی بجای می گذارد. در واقع توان بهره وری نهفته در اقتصاد فراصنعتی مبنی بر فناوری های اطلاعاتی به افزایش شکاف در ابعاد مختلف بین بخش های توسعه یافته و در حال توسعه جهان منجر می شود.

ایجاد زیرساخت های توسعه زمینه بازسازی اقتصاد ایران

بررسی شاخص های تولید صنعتی ایران نشانگر عقب ماندگی و روند نامطلوب اقتصاد کشور در مقیاس منطقه ای و جهانی است. برای نمونه در حالیکه رشد صنعتی ایران ۴/۹ درصد می باشد، چین از رشد صنعتی ۱۷٪ برخوردار است. در چین ۴۲/۵٪ تولید ناخالص داخلی از صنعت حاصل می شود و در ایران فقط ۱۷٪ تولید ناخالص داخلی را صنعت تولید می نماید. از سوی دیگر امکان و پتانسیل های بالقوه قابل توجهی جهت تحول و جهش در شاخص های تولید صنعتی وجود دارد. انجام اقدامات زیربنایی در اقتصاد ایران و روندهای مثبت در تفکر نسبت به صنعت زمینه مساعدی برای تحول و دگرگونی و شتاب بخشیدن به تحولات مثبت در ایران فراهم آورده است که برخی از مهمترین آنها به شرح زیر است:

- احداث هزاران کیلومتر جاده در سراسر کشور و بهبود بخشیدن به وضعیت راههای ارتباطی در سراسر کشور و برخورداری ۷۲/۷ درصد جمعیت روستایی از راه مناسب.
- توسعه شبکه راه آهن ایران و اتصال به کشورهای آسیای میانه و دریای عمان.
- افزایش تعداد فرودگاه ها در نقاط مختلف به ۴۵ فرودگاه
- خودکفایی در صنعت سیمان و صنایع ساختمانی
- خودکفایی در زمینه فلزات اساسی مانند آهن، فولاد، مس، روی و آلومینیوم
- احداث نیروگاه های برق و افزایش ظرفیت تولید برق کشور به بیش از سی هزار مگاوات
- احداث مجتمع های پتروشیمی با ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی به بیش از ۱۵ میلیون تن
- احداث بیش از بیست سد و در دست احداث بودن ۶۲ سد جدید
- هشیاری دولت و مردم نسبت به بحران جدی آب و آغاز حرکت به سوی مدیریت منابع آب

- هشیاری دولت و مردم نسبت به بحران انلاف منابع انرژی و ترویج تفکر بهینه سازی مصرف سوخت
- ارتقاء سطح بهداشت عمومی و افزایش میزان دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی در شهرها و روستاها و برخورداری بیش از ۸۴٪ روستاها از آب آشامیدنی .
- ارتقاء سطح پوشش مراقبت های بهداشتی به تمام شهرها و ۹۰ درصد جمعیت روستایی .
- افزایش نسبت تخت های بیمارستانی به ۱۶۶ تخت برای یکصد هزار نفر
- افزایش نرخ امید به زندگی به ۷۰/۶ سال در سال ۱۳۷۹
- افزایش شاخص باسوادی به ۸۳/۷ درصد در سال ۱۳۷۸
- افزایش تعداد دانش آموزان دوره های ابتدایی و متوسطه به بیش از ۱۸/۷ میلیون نفر
- افزایش تعداد دانشجویان به بیش از ۱/۷ میلیون نفر
- افزایش تعداد خطوط تلفن ثابت به ۹،۳۰۷،۰۰۰ در پایان سال ۱۳۷۹
- افزایش تعداد خطوط تلفن سیار به ۸۸۳،۰۰۰ در پایان سال ۱۳۷۹
- افزایش تعداد روستاهای دارای ارتباط تلفنی به ۲۷۲۲ در پایان سال ۱۳۷۹
- هشیاری دولت و مسئولان نظام نسبت به ضرورت تحول در مدیریت بخش عمومی و اصلاح ساختار اداری دولت و کاهش تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی
- هشیاری ملی نسبت به ضرورت تقویت وحدت ملی و وفاق اجتماعی
- هشیاری ملی نسبت به ضرورت توسعه پایدار با تأکید بر ضرورت تحقق جامعه مدنی و توسعه مشارکت قانونمند و همه جانبه مردم
- هشیاری به ضرورت پاسخگو بودن دولت و پذیرش حق انتقاد .

نگاهی به این شاخص ها و مقایسه آن با بسیاری از کشورهای منطقه نشاندهنده آمادگی زیربنایی جهت تغییر روند توسعه اقتصادی ، فرهنگی واجتماعی ایران است .

جهت گیری های نوین در عرصه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران

در بخش های ابتدایی این گفتار تلاش شد تصویری از تحولات جهانی در عرصه های اقتصادی ، تکنولوژیکی و سیاسی ارائه شود . فرآیند جهانی شدن در وجوه گوناگون اقتصادی ، فناوری ، اجتماعی و سیاسی همراه با تحولات درونی جامعه ایران ، جهت گیری های نوینی در همه عرصه ها بوجود آورده است . توسعه سیاسی ، تقویت نهادهای مدنی و تحقق مشارکت بیشتر مردم ، ضرورت پاسخگو بودن دولت، تجدید ساختار اقتصادی ،

توسعه و تقویت نقش بخش خصوصی در اقتصاد، ایجاد امنیت سرمایه گذاری، سازگار نمودن قوانین و مقررات و رویه های قضایی بانیازهای اقتصادی جهان تراز از جمله این جهت گیری های نوین است. بررسی سرانه سرمایه گذاری در کشور و همچنین نسبت این شاخص به سرانه درآمدهای ارزی کشور در طی سه دهه ۷۹-۱۳۵۰ نشاندهنده کاهش سرانه سرمایه گذاری کشور از ۶۲۲۸ دلار طی برنامه ۵ ساله ۵۷-۱۳۵۲ به ۱۰۲ دلار طی برنامه دوم توسعه (۷۷-۱۳۷۳) و کاهش نسبت سرانه سرمایه گذاری به درآمد ارزی از ۱۷۱٪ به ۶٪ طی دوره های یاد شده است. هر چند عوامل مختلفی در روند نزولی این شاخص ها نقش داشته اند ولی محدود نمودن و کاهش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد از مهمترین عوامل آن به شمار می آید.

وضعیت عمومی کشور در سالهای پس از انقلاب اسلامی سبب واگذاری اداره امور بسیاری از بنگاه های اقتصادی به دولت گردید. این امر با کاهش شدید بازدهی این موسسات همزمان شد که تا سال ۱۳۶۵ زیان این موسسات توسط دولت جبران می گردید. در سال ۱۳۶۶ بودجه شرکت های دولتی از بودجه عمومی تفکیک و به بانک ها تکلیف گردید اعتبارات گسترده ای در اختیار آنها قرار دهند. این موسسات طی دوره ۷۸-۱۳۶۶ نزدیک به ۷۵۰ هزار میلیارد ریال اعتبار دریافت داشته اند، در حالیکه فقط ۱۸ هزار میلیارد ریال مالیات پرداخت نموده اند. شرکت های دولتی علاوه بر برخوردارگی از اعتبارات گسترده و عدم بازپرداخت آنها، از انحصارات گسترده رانت طلبانه اقتصادی نیز برخوردار بوده و از سوی دیگر علیرغم کاهش مداوم قدرت خرید و درآمد مردم نرخ کالا و خدمات خود را بدلیخواه افزایش داده اند.

جدول شماره (۴) نشاندهنده کاهش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد ایران است.

جدول شماره (۴) روند نزولی سهم مشارکت بخش خصوصی در جمع کل سرمایه گذاری های کشور (۷۷-۱۳۵۲)

ردیف	دوره	سرمایه گذاری برنامه ای (میلیارد ریال)	سرمایه گذاری بخش خصوصی (میلیاردریال)	جمع کل سرمایه گذاری (میلیارد ریال)	جمع کلی سرمایه گذاری (میلیون دلار)	درصد تغییرات %
۱	برنامه عمران پنجم ۵۷-۱۳۵۲	۸۲۲۱/۵	۶۳۲۷/۲	۱۴۶۴۸/۷	۲۰۹۲۶۶	۱۰۰
۲	دوران تثبیت نظام ۶۲-۱۳۵۸	۹۷۸۱	۴۹۲۸/۱	۱۴۷۰۹/۱	۳۴۶۹۱	-۵۰۳
۳	دوران جنگ تحمیلی ۶۷-۱۳۶۳	۸۸۶۵/۶	۵۱۰۲/۴	۱۳۹۶۸	۹۶۳۳	-۲۶۰
۴	برنامه اول توسعه ۷۲-۱۳۶۸	۸۷۴۹/۲	۵۰۳۶/۸	۱۳۷۸۶	۷۶۷۲	-۲۶
۵	برنامه دوم توسعه ۷۷-۱۳۷۳	۱۱۳۰/۲	۶۵۶۸/۲	۱۸۲۹۸/۸	۶۰۹۹	-۲۵

امروزه به توافقی ملی در مورد ضرورت کاهش مداخله دولت و تقویت بخش خصوصی و ساز و کار عرضه و تقاضای در بازار رقابتی دست یافته ایم. فراز زیر از گزارش ریاست محترم جمهور به مردم در اسفند ماه ۱۳۷۹ بیان این عزم ملی است

● در نتیجه تصدیهای دولت در امور اقتصاد، وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و ساختار معیوب بودجه کشور که با افزایش هزینه های جاری همراه بود، افزایش تکیه دولت به درآمدهای حاصل از فروش ارز در تأمین هزینه های عمومی، نظام ناکارآمد مالیاتی، ادامه انحصارات دولتی، حجم بالای تصدیهای دولتی، گسترش بی رویه شرکت های دولتی و نابهره ور بودن آنها نسبت به بخش خصوصی و قوانین و مقررات متمرکز، ناکارآمدی اقتصادی استمرار یافت و موجب تشدید نارسائیهای ساختار بیمار اقتصاد کشور شد.

● یکی از مشکلات اساسی دولت در زمینه اقتصادی، مداخله اکثر دستگاه های اجرایی مخصوصاً دستگاه های حاکمیتی در فعالیتهای اقتصادی برای جبران کمبود اعتبارات جاری بوده است این روند، ضمن لطمه زدن به انجام وظایف و مأموریت های اصلی این دستگاه ها در غیر شفاف نمودن فضای اقتصادی کشور و ناسالم نمودن آن تأثیر جدی گذاشت.

صنعت نفت و گاز : موتور بازسازی صنایع ایران

تاکنون حجم ذخایر اثبات شده نفت و گاز ایران به حدود ۲۶۰ میلیارد بشکه (معادل نفت خام) رسیده است که ۶۵ درصد آن را ذخایر گاز طبیعی تشکیل می دهد. ایران حدود ۹ درصد ذخایر نفت و ۱۷ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. میزان کل تولیدی اثباتی گاز طبیعی تا پایان سال ۱۳۷۸ و مقدار باقیمانده قابل استحصال در حوزه های خشکی و دریا در جدول زیر و برحسب تریلیون مترمکعب مشخص شده است.

کل ذخایر		باقیمانده قابل استحصال در ۱۳۷۹		تولید اثباتی تا پایان ۱۳۷۸		موقعیت
		مقدار	درصد	مقدار	درصد	
۱۰۰	۱۴/۱۲	۸۸/۳	۱۲/۴۷	۱۱/۷	۱/۶۵	خشکی
۱۰۰	۱۳/۹۵	۹۹/۲	۱۳/۸۴	۰/۸	۰/۱۱	دریا
۱۰۰	۲۸/۰۷	۹۳/۷	۲۶/۳۱	۶/۳	۱/۷۶	جمع

از ابتدای بهره برداری از منابع نفت و گاز ایران تا پایان سال ۱۳۷۸، معادل ۱۱/۷ درصد ذخایر خشکی و ۰/۸ درصد ذخایر اثبات شده در دریا مورد بهره برداری قرار گرفته است. مدت زمان لازم برای اتمام ذخایر قابل استحصال کشور در صورت کشف نشدن ذخایر جدید و برداشت سالانه ای معادل سال ۱۳۷۸ برای نفت خام و میعانات گازی حدود ۶۵ سال و برای گاز طبیعی ۲۵۱/۵ سال برآورده شده است. با فرض قیمت میانگین ۲۰ دلار برای هر بشکه نفت خام و میعانات گازی و سنت برای هر متر مکعب گاز طبیعی، ثروت ملی ایران از ذخایر هیدروکربوری به بیش از ۳۵۰۰ میلیارد دلار بالغ می گردد. مقایسه این میزان با شاخص های توسعه اقتصادی از قبیل تولید ناخالص ملی کشور در سال و یا میزان سرمایه گذاری سالانه در تاسیسات زیربنایی نشان دهنده جایگاه ویژه و سرنوشت ساز ذخایر نفت و گاز در توسعه اقتصادی کشور است.

میدان گاز پارس جنوبی یکی از مهمترین طرح های انرژی کشور به شمار می آید منابع حوزه گاز پارس جنوبی که با منابع کشور قطر مشترک است، با ذخیره ای به میزان ۱۶/۶۷ تریلیون متر مکعب معادل ۸/۶ درصد از کل ذخایر گازی جهان برآورد می شود. با سرمایه گذاری در این میدان و بهره برداری از آن، ظرفیت تولید گاز طبیعی کشور با افزایش ۲۵۰ میلیون متر مکعب در روز به بیش از دو برابر افزایش خواهد یافت.

باید توجه داشت که تولید نفت و گاز در یک بازار رقابتی منطقه ای و بین المللی صورت می گیرد و دیگر کشورهای منطقه نسبت به تامین شرایط مساعد زیربنایی، تامین امنیت و زمینه های مساعد سرمایه گذاری با جذب سرمایه های داخلی و خارجی و توسعه فعالیت های صنعتی، فراهم نمودن بستری مناسب برای دستیابی به دانش فنی و فناوری های جدید روز، بالا بردن سطح مهارت ها و توانمندی های لازم و توسعه همکاری های فنی و اقتصادی با دیگر کشورها، معافیت های مالیاتی و گمرکی و تسهیلات زیستی اقدام نموده اند. بدون فراهم آوردن شرایطی قابل رقابت با دیگر کشورهای منطقه، بهره برداری اقتصادی از ذخایر نفت و گاز در جهت توسعه اقتصادی کشور با تنگناهای جدی مواجه خواهد بود و از جمله در عمل به کاهش سهم ایران در بهره برداری از مخازن مشترکی مانند پارس جنوبی منجر خواهد گردید که این امر با منافع ملی کشور بطور جدی تضاد دارد.

مصرف انرژی کشور در سال ۱۳۷۸ معادل ۸۴۷/۸ میلیون بشکه نفت خام بوده است و سهم گاز طبیعی در این میان به ۴۷/۵ درصد رسیده است. پیش بینی می شود در پایان سال ۱۳۸۳ این رقم به ۵۰ درصد افزایش یابد و تعداد مشترکان گاز طبیعی به ۸۵ درصد جمعیت شهری افزایش یابد. گاز طبیعی بعد از هیدروژن پاک ترین سوخت جایگزین در طبیعت است و از نظر اقتصادی نیز هزینه استحصال و پالایش کمتری دارد. مصالح ملی کشور ما ایجاد می کند که تا آن حدی که مقدور است گاز طبیعی جانشین دیگر فرآورده های نفتی شود. یکی از پیامدهای دیگر این اقدام، کاهش قابل ملاحظه قاچاق فرآورده های نفتی به کشورهای همجوار است. با افزایش سهم گاز طبیعی در مصرف انرژی کشور، علاوه بر منافع اقتصادی فراوانی که در اثر بهینه سازی و جایگزینی بدست می آید، فرصت های اشتغال جدیدی نیز از اجرای طرح های یاد شده ایجاد می گردد بهره گیری از گاز طبیعی فشرده (CNG) برای شهرهای مرتبط با شبکه توزیع گاز طبیعی، بهترین امکان برای جایگزینی بنزین در خودروهاست و از گاز طبیعی مایع شده (LNG) نیز می توان به جای بنزین در مناطق خارج از شبکه توزیع و خطوط انتقال گاز طبیعی استفاده نمود.

ایران طی یک برنامه میان مدت و با اجرای طرح های بهره برداری از منابع گاز می تواند به یکی از کشورهای مهم صادرکننده گاز طبیعی و فرآورده های پتروشیمیایی حاصل از پالایش گاز تبدیل گردد. اجرای طرح های زیربنایی در بخش گاز نیاز به منابع عظیم مالی دارد. تحقق این هدف منوط به جلب سرمایه گذاری خارجی است. گسترش همکاری های منطقه ای و بین المللی از جمله شرایط اساسی توفیق در این طرح هاست. جایگزینی گاز طبیعی در بخشهای مختلف انرژی می تواند زمینه های مناسب برای سرمایه گذاری، سودآوری و ایجاد اشتغال را فراهم آورده و این صنعت را به موتور محرکه بازسازی دیگر صنایع کشور نیز بدل سازد.

مجموع یارانه پرداختی به انرژی در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۵/۵٪ تولید ناخالص داخلی و بیش از دو برابر هزینه های عمران دولت بوده است. بررسی میزان یارانه به انرژی در دوره ۸-۱۳۷۵ نشان دهنده روند افزایش در مصرف انرژی و میزان یارانه به انرژی است. عوامل متعددی از جمله ارزان بودن نسبی قیمت حامل های انرژی و تصدی دولت بر کلیه امور انرژی از مهمترین عواملی است که به پایین بودن بهره وری و کارایی این بخش منجر گردیده است. جهت دستیابی به هدف منطقی تر کردن مصرف انرژی در کشور، روی آوردن و بکارگیری هم سیاست های اصلاح قیمت انرژی و هم سیاست های غیرقیمتی دارای اثرات قابل ملاحظه بوده و حصول نتیجه مستلزم بکارگیری مجموعه این سیاست ها به صورت یکپارچه است. بخش خصوصی از دو جنبه میتواند در اصلاح روند نادرست مصرف انرژی و بهینه کردن آن مشارکت داشته باشد:

- منطقی نمودن استفاده از انرژی تا مجموع انرژی مصرفی به ازای واحد تولید به حداقل کاهش یابد.
- تولید محصولات کم مصرف تر که دارای بازده انرژی و را ندمان بیشتر هستند.

این اقدامات در گرو بازسازی صنعت، تغییر روش های تولید و بکارگیری فناوری های جدید در فرآیندهای ساخت و تولید است که نیازمند سرمایه گذاری های جدید می باشد. مصالح ملی در گرو مشارکت دادن بخش خصوصی در منافع حاصل از صرفه جویی در انرژی است که این بخش راسا موجبات آن را فراهم می سازد. با هدفمند نمودن یارانه ها به انرژی، درآمد قابل توجهی حاصل می شود بخشی از این درآمد می باید در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد تا در محدوده هایی سرمایه گذاری گردد که خارج از توانایی این بخش در حال حاضر می باشد. صرفه جویی در انرژی می باید در تمامی بخش های خانگی، تجاری، حمل و نقل، صنعت و کشاورزی به صورت یک فرهنگ نهادینه گردد.

صنعت را صنعتگر می سازد

رابرت شوک در شرح کامیابی های مدیریت ژاپنی در آمریکا، یادآور می شود که شرکت هوندا با ۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری اولیه توانست از صنعت موتورسازی به خودروسازی ارتقا یابد و سهم قابل توجهی در بازار

جهانی خودرو بدست آورد و با ۲۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری در آمریکا به سال ۱۹۸۲ بیش از ۲۵ درصد از بازار خودروهای کوچک بزرگترین بازار خودرو جهان را در اختیار گرفت. کشور ما در دوره بیست ساله ۷۸-۱۳۵۸ (۹۹-۱۹۷۹ میلادی) میزان ۷۴۰۰ میلیون دلار به واردات خودرو، ۱۴۹۰۰ میلیون دلار به واردات قطعات منفصله و ۶۴۵ میلیون دلار به واردات ماشین آلات و تکنولوژی این صنعت اختصاص داده است. هرچند اختصاص نزدیک به ۲۳۰۰۰ میلیون دلار به واردات محصول، قطعات و ماشین آلات لزوماً به معنای سرمایه گذاری در این بخش از صنعت به شمار نمی آید ولی بهر حال تصویری از بخشی از منابع صرف شده در این صنعت را بدست می دهد. کامیابی خودروساز ژاپنی در مقایسه باناکامی همتایان ایرانی پرسش های بسیاری را درباره استراتژی های و عملکرد این صنعت مطرح می سازد. نکته ظریف و مهم در این میان این است که ایجاد صنعت و صنعتی کردن باید بدست صنعتگر کارآفرین صورت پذیرد. همانگونه که در تکثیر درخت از قلمه زدن و در پرورش گیاهان از تخم آن استفاده می شود در صنعت نیز باید امکانی فراهم گردد که صنعت را صنعتگر تکثیر نماید. همانطوریکه در کشاورزی آمده نموده زمین و اصلاح بذر فعالیت های اساسی به شمار می آید، آماده نمودن محیط و اشاعه فرهنگ صنعتی و غنی سازی آن نیز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. این تحولات نیز بدون نقش کلیدی و تعیین کننده صنعتگران و کارآفرینان امکان پذیر نیست. ده ها تجربه مستند از تلاش ناکام دولت ها توسعه اقتصادی و صنعتی وجود دارد که آخرین آن به تلاشی نظام اتحاد جماهیر شوروی منجر گردید.

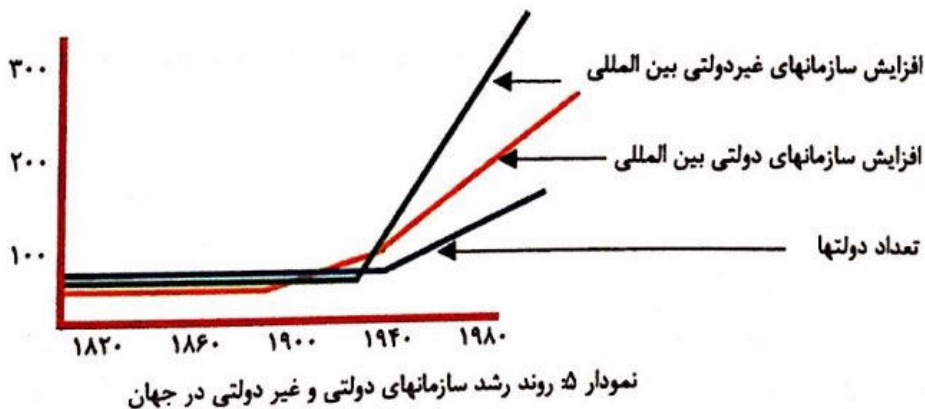
قابلیت نهادسازی و نهادگرایی: شاخص اصلی پیشرفت و توسعه

جهانی شدن اقتصاد، یکپارچه شدن بازارها، بین المللی شدن جابجایی سرمایه، افزایش سریع حجم معاملات مالی بین المللی، چندین برابر شدن حجم سرمایه گذاری خارجی، الکترونیکی شدن تجارت و مبادلات پولی و مالی، تسلط شرکت های فراملی بر اقتصاد جهان، توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش، توسعه شهرنشینی، انقلاب فناوری اطلاعاتی، توسعه مدیریت، توسعه یادگیری الکترونیکی، بهبود روش های آموزش زبان های خارجی، مهاجرت وسیع نیروی کار، افزایش امید به زندگی، برتری یافتن نقش منابع انسانی نسبت به منابع سرمایه ای و یا جنگ سرد به تغییر جدی نقش دولت ها و کم رنگ و محدودتر شدن تأثیر گذاری و قدرت آنها در سراسر جهان منجر گردیده است. بسیاری از نظام های استبدادی در دهه های پایانی قرن بیستم سرنگون گردیدند و امروزه شمار مردمی که در نظام های دموکراتیک زندگی می کنند بطور روز افزونی افزایش یافته است و دموکراسی به یک هدف جهانی برای پایداری توسعه اقتصادی و حفظ صلح تبدیل شده است و حتی رژیم های سلطه گر نیز به اهمیت فرآیندهای دموکراتیک در

پایداری جوامع آگاه شده اند و به همین میزان توانایی دولت ها در کنترل پدیده های اجتماعی و اقتصادی بطور مستمر رو به کاهش است .



شرایط یاد شده و پیچیدگی روزافزون موضوعات و جهانی شدن آن و افزایش تعداد و تفاوت انتخاب ها، نیاز به تصمیم سازی های جهانی با عملکرد موثرتر با مشارکت فعال و موثر گروهی دست اندرکاران و اتکا به تخصص و خردجمعی آنان را اجتناب ناپذیر ساخته است. در پاسخ به این نیاز است که شبکه وسیع و متنوعی از سازمان های غیردولتی در سطوح محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی ایجاد شده و هر روز نقش موثرتر و کلیدی تر در سیاستگذاری و اداره امور برعهده می گیرد.



برخی از دولت ها هنوز افزایش تحرک و قدرت گیری تشکل ها و نهادهای غیر دولتی را مترادف کاهش اقتدار و ضعف حکومتی خود تلقی نموده و درصدد سرکوب آن برمی آیند. گروهی دیگر با ایجاد تشکل های به ظاهر غیر دولتی تلاش می کنند که کنترل خود را بر اوضاع حفظ نمایند ولی روند غالب از انتقال تدریجی نقش دولت ها به سازمان های غیر دولتی واقعی حکایت دارد . امروزه قابلیت نهادسازی و نهادگرایی به یک شاخص پیشرفت تبدیل شده است . دموکراسی را به معنای مشارکت آحاد مردم در تعیین سرنوشت خویش تعریف نموده اند و شرط اساسی تحقق دموکراسی و جامعه مدنی نیز ایجاد نهادهای مردمی و تشکل هاست. بر این اساس ، توسعه تشکل ها در تمام زمینه ها، خاصه صنعت یک ضرورت و باید است، صنعتگران و کارآفرینان نیز در صورتی

می توانند از حقوق صنعتی خویش حمایت نموده و خرد و تجربه جمعی خود را در حل مشکلات بکارگیرند که سازمانی منسجم ، مسنول ، علاقمند و دلسوز داشته باشند، تا این نهادها در کنار دولت ، مجلس ، قوه قضائیه ، دانشگاه و مصرف کنندگان یار و یاور صنعت و زمینه ساز و هدایتگر توسعه آن باشند.

پارادوکسی در اینجا مطرح است ، ایجاد و تقویت نهادها و تشکل ها نیازمند منابع فکری و مادی است. تخصیص این منابع توسط ذینفعان نیز در گرو درک آنها از ضرورت نهادسازی و نهادگرایی و قوت گیری تشکل هاست . سرکوب تاریخی نهادسازی و نهادگرایی در ایران از یک سو و اقتصاد ناسالم وابسته به دولت و محیط نامساعد و ناسازگار با صنعت و عدم تحرک اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر سبب گردیده است که پا گرفتن سازمانهای غیر دولتی در ایران چه از دیدگاه مردمی و چه از دیدگاه دولت امری جدید و وارداتی و بعضاً "منفی و خطرناک تلقی شود و این امر زمینه را برای سکون و کم تحرکی آحاد جامعه فراهم کرده است و کشور را از داشتن هسته های فعال و موثر در هدایت امور و ایجاد پلی بین دولت و مردم محروم سازد. نهادهای متعددی نیز که تشکیل گردیده اند بهمین دلایل از قوام و دوام و تاثیر گذاری لازم برخوردار نگردیده اند .

هرچند همت و تلاش جانانه و پی گیر فعالان نهادسازی و نهادگرایی بویژه در سالهای اخیر سبب گردیده است که تشکل های متعددی ایجاد گردد و عملاً " ساختار لازم جهت نهادگرایی در صنعت شکل و سامان یابد و انواع انجمن های صنعتی ، صنفی ، حرفه ای ، مانند اتحادیه ها و جوامع صنایع ساختمان ، ریخته گری ، تاسیسات ، لوازم خانگی ، لوازم گازسوز ، غذایی ، دریایی ، صنایع خودرو و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ، انجمن مدیران صنایع ، انجمن های مهندسی و کنفدراسیون صنعتی ایران تشکیل و تقویت گردد .

امروزه کشور ما نیز در فرآیند پذیرش و شناسایی رسمی و توانمند سازی نهادها و تشکل ها و اشاعه فرهنگ نهادگرایی قرار دارد و بر این واقعیت نیز وقوف یافته است که فرآیند جهاتی شدن نهادها و نهادسازی را نیز در بر گرفته است . به همین سبب نیز ضروری است که تشکل های ایران به سازمان های جهانی پیوسته و در عرصه های بین المللی حضور یابند . همکاری با نهادهای غیر دولتی بین المللی سبب انتقال سریع تر دانش و تجارب در سطح وسیع به تشکل های میهن ما می گردد و کمک ارزنده ای نیز در توسعه صنعتی و حل مشکلات صنعتی ما به شمار می آید ولی انجام این مهم نیز نیازمند تامین منابع قابل توجه ای می باشد . بنابراین نهادهای فراگیر و مجامعی که از تجمع تشکل ها ایجاد گردیده اند می باید هم خویش را مصرف تامین منابع لازم نمایند به امید اینکه انرژی لازم جهت شتاب بخشیدن به فعالیت موثر دیگر نهادها را فراهم آورند . در این رهگذر در نشست بسیار موثر با ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام این اصل مهم مطرح و از ایشان درخواست گردید که نهاد ها را در تامین منابع یاری دهند که با نظر مثبت ایشان مواجه گردید . تامین منابع لازم برای توسعه و تقویت تشکل ها و نهادهای غیر دولتی می باید از طریق آرایه خدمات به اعضا و جامعه و دولت حاصل آید.

نقش نهادها و تشکل های صنعتی در بازسازی صنعت ایران

در چند دهه گذشته، دولت نه تنها سیاست های حاکم بر اقتصاد و از جمله صنعت را تعیین نموده است بلکه تصدی بخش اعظم فعالیت های صنعتی را نیز بر عهده داشته و بازیگر اصلی به شمار می آمده است امروزه این نظر بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است که موفقیت در اقتصاد بدون خروج دولت از تصدی گری و واگذاری آن به بخش خصوصی و حضور فعال، موثر و تعیین کننده نهادهای بخش خصوصی میسر نیست. به همین سبب ضروری است که دولت و نهادهای صنعتی وظایف و انتظارات خود از طرف دیگر را مبتنی بر رویه و تجارب جهانی مشخص نمایند.

کنفدراسیون صنعت ایران در پاسخ به تلاش های ارزنده و قابل تقدیر وزارت صنایع و معادن در تهیه و تنظیم طرح "بازسازی صنعت کشور" و همچنین تلاش برای تقویت و تجدید حیات صنایع کوچک که رکن اساسی و مهمی را در اقتصاد ایران تشکیل می دهند، بررسی وجوه مختلف بازسازی و تجدید حیات صنعتی با هدف رقابت پذیر نمودن آن در تراز جهانی را در دستور کار خود قرار داده است. یافته های این بررسی که به صورت جداگانه ای منتشر خواهد گردید در سه گروه عمومی "دولت"، "نهادها و تشکل های صنعتی" و "بنگاه ها و موسسات صنعتی کشور" طبقه بندی گردیده است. سر فصلهای موضوعی این بررسی را عنوان های اصلی زیر تشکیل می دهد:

ایجاد محیط سازگار با توسعه صنعتی، توسعه سرمایه گذاری، توسعه بازار و توسعه صادرات، توسعه فناوری، توسعه و بهبود مدیریت، توسعه منابع انسانی و پایداری توسعه

در هر موضوع، مهمترین عناوین فعالیت های کلیدی دولت، نهادهای صنعتی و بنگاه های صنعتی مشخص گردیده است. مهمترین وظایف و فعالیت های نهادهای صنعتی به شرح زیر پیشنهاد می گردد:

۱- ایجاد محیط مناسب صنعتی

- ۱-۱- مشارکت فعال در تدوین استراتژی توسعه صنعتی
- ۲-۱- تبیین جایگاه صنعت در جامعه و تعریف انتظارات جامعه از صنعت و صنعت از جامعه
- ۳-۱- ترویج فرهنگ کارآفرینی و مساعد نمودن زمینه های فرهنگی و اجتماعی برای توسعه صنعتی
- ۴-۱- برعهده گرفتن و تصدی امور صنعتی، حرفه ای و صنفی
- ۵-۱- مشخص نمودن انتظارات بخش خصوصی از جامعه و دولت و تعهدات و الزامات بخش خصوصی به آنها
- ۶-۱- اصلاح ارتباط درونی و بیرونی صنعت با دیگر بخش ها
- ۷-۱- توسعه همکاریهای بین المللی در امور صنعتی و حرفه ای
- ۸-۱- کسب اطمینان از رعایت حقوق جامعه توسط واحدهای صنعتی
- ۹-۱- مشخص نمودن و ترویج اخلاق حرفه ای
- ۱۰-۱- ترویج مشتری مداری و کمک به رقابتی شدن اقتصاد

۲- توسعه سرمایه گذاری

- ۱-۲- مشارکت فعال در اصلاح نظام مالیاتی
- ۲-۲- مشارکت فعال در اصلاح نظام پولی - بانکی
- ۳-۲- مشارکت در جلب سرمایه گذاری خارجی
- ۴-۲- ایجاد پل ارتباطی و همچنین تلاش در جهت جذب سرمایه ایرانیان مقیم خارج از کشور
- ۵-۲- مشارکت فعال در خصوصی سازی
- ۶-۲- ترغیب سرمایه گذاری در صنعت
- ۷-۲- کمک به اصلاح ساختار مالی واحدهای صنعتی

۳- توسعه بازار و توسعه صادرات

- ۱-۳- هدف گذاری برای دستیابی به سهم مناسبی از بازارهای جهانی و داخلی در رشته های مختلف صنعتی
- ۲-۳- توسعه همکاریهای چند جانبه با تشکل های صنعتی در سطح جهان
- ۳-۳- ایجاد نمایندگی در سطح جهان و تلاش در جهت توسعه بازار محصولات و خدمات صنایع ایران
- ۴-۳- مشارکت در سازمانها و اجلاس بین المللی در جهت دفاع از حقوق صنعت ایران
- ۵-۳- انجام مطالعات تطبیقی در مورد بازاریابی محصولات صنعتی از جمله مقررات و تعرفه ها گمرکی دیگر کشورها و ارائه پیشنهاد با هدف تولید رقابت پذیر نمودن صنعت کشور
- ۶-۳- ایجاد مراکز مطالعات بازاریابی و بانک های اطلاعاتی
- ۷-۳- اقدام در جهت تضمین کیفیت محصولات صادراتی و حفظ و توسعه بازارهای صادراتی
- ۸-۳- ایجاد تشکل های حمایت از حقوق مصرف کننده و ترویج فرهنگ مشتری گرایی

۴- توسعه فناوری

- ۱-۴- ایجاد نمایشگاه های فناوری توسط تشکل ها با هدف ارتقا فناوری محصولات ایران
- ۲-۴- رصد کردن تحولات فناوری های در شاخه های صنعتی و در معرض قراردادن واحدهای صنعتی
- ۳-۴- ایجاد مراکز فناوری در شاخه های صنعتی و توسعه تحقیقات فناوری با هدف توانمندسازی واحدهای صنعتی
- ۴-۴- توسعه همکاریهای فناوری با سازمانهای منطقه ای و بین المللی
- ۵-۴- مطالعه تطبیقی در مورد فعالیت های تحقیقاتی و توسعه فناوری در سطح منطقه و جهان
- ۶-۴- توسعه فعالیتهای همکاری های صنعت و دانشگاه و انتقال نیازهای صنعت به نظام آموزش عالی
- ۷-۴- مشارکت فعال در اصلاح نظام تحقیقات و فناوری کشور

۵- توسعه و بهبود مدیریتی

- ۱-۵- تاسیس مراکز توسعه و بهبود مدیریت توسط تشکل ها با هدف توانمندسازی واحدهای صنعتی
- ۲-۵- تهیه و اجرای طرح گسترش مدیریت نوین در شرکت های صنعتی و به روز نمودن دانش مدیریت در واحدها

- ۵-۳- توسعه همکاری ها با مراکز بین المللی آموزشی، پژوهشی و مشاوره مدیریت
- ۵-۴- گردآوری، پردازش و انتشار اطلاعات واقعی مورد نیاز صنایع
- ۵-۵- تبادل تجارب در امر مدیریت با تشکل های صنعتی در سطح جهان
- ۵-۶- توسعه قابلیت ها و مهارتهای رهبری در سطح شرکتهای در شاخه های صنعتی
- ۵-۷- مطالعات تطبیقی و الگوبرداری از تحولات مدیریت در سطح جهان

۶- توسعه منابع انسانی

- ۶-۱- تاسیس مراکز توسعه منابع انسانی با هدف افزایش بهره وری ملی
- ۶-۲- مشارکت فعال در اصلاح نظام و قانون کار با هدف افزایش زمینه اشتغال و ارتقا بهره وری کار
- ۶-۳- مشارکت فعال در اصلاح نظام های آموزشی
- ۶-۴- مشارکت فعال در مذاکرات سه جانبه
- ۶-۵- مشارکت فعال در ارزیابی عملکرد نظام و موسسات آموزشی صنعتی
- ۶-۶- مطالعه تخصصی ها و مهارت های مورد نیاز شاخه های صنعتی
- ۶-۷- رصد تحولات توسعه منابع انسانی در صنایع جهان و انتقال تجارب و دستاوردهای به واحدهای صنعتی

- ۶-۸- توسعه ارتباطات و همکاری های بین المللی در زمینه کار و منابع انسانی

۷- توسعه پایدار

- ۷-۱- مشارکت فعال نهادهای مدنی در اصلاح مسیر توسعه صنعتی در جهت پایداری
 - ۷-۲- شناسایی و توسعه قابلیت و مزیت های ملی در صنعت و اقتصاد و تقویت آنها
 - ۷-۳- توسعه همکاریهای منطقه ای و بین المللی با هدف انتقال تجارب جهانی در زمینه توسعه پایدار به صنعت کشور
 - ۷-۴- آگاه سازی عمومی در ارتباط با توسعه پایدار
 - ۷-۵- کسب اطمینان از رعایت ملاحظات و توسعه پایدار توسط واحدهای صنعتی
 - ۷-۶- همکاری با دولت در برنامه های توسعه پایدار
 - ۷-۷- تلاش در جهت تدوین میثاق ملی توسعه پایدار توسط نهادهای صنعتی کشور
- اهداف و نتایج مورد انتظار از بازسازی صنعت کشور که وظایف نهادهای صنعتی براساس آن تنظیم و پیشنهاد گردید را در سطح ملی، سطح تشکل ها و نهادهای صنعتی و سطح بنگاه ها و واحدهای به شرح زیر می توان برشمرد:

نتایج و اهداف نوسازی صنعت در سطح ملی

- ۱- افزایش تولید ناخالص داخلی متناسب با کشورهای تازه صنعتی شده
- ۲- افزایش سهم ارزش افزوده صنعت
- ۳- تقویت قابلیت های رقابت پذیری صنعت ایران در جهان
- ۴- دستیابی به موازنه ارزی در بخش صنعت

- ۵- افزایش میزان اشتغال متناسب با نیاز انتقال جامعه جوان و جویای کار ایران
- ۶- افزایش درآمد سرانه
- ۷- کاهش شکاف تکنولوژیکی با جهان
- ۸- استفاده بهینه از منابع ملی
- ۹- افزایش نسبت صادرات به ارزش تولید
- ۱۰- حفظ سهم بازار داخلی در محصولات دارای مزیت رقابتی
- ۱۱- کاهش بحران های اجتماعی

اهداف بازسازی صنعت در سطح نهادهای صنعتی

- ۱- تقویت نهادهای مدنی و تحقق نقش تعیین کننده نهادهای صنعتی در هدایت امور صنعت
- ۲- سازگار و پیش برنده نمودن نظام های قانونی با نیازهای صنعت کشور
- ۳- کارآمد نمودن نهادهای صنعتی و دستیابی به استراتژی کارآمد توسعه صنعتی
- ۴- توسعه قابلیت های ملی و یافتن تقویت مزیت های نسبی در اقتصاد ایران
- ۵- توسعه همکاری های بین المللی با هدف حفظ منافع ملی
- ۶- برون رفت از انزوای جهانی و توسعه بازار های صادراتی
- ۷- بهره گیری بهینه از منابع در دسترس

اهداف بازسازی در سطح بنگاه های صنعتی

- ۱- دستیابی به مزیت های رقابتی و افزایش توان رقابتی بنگاه در بازارهای جهانی
- ۲- توسعه بازار توسعه و فعالیت های اقتصادی
- ۳- افزایش حاشیه سود و افزایش میزان تشکیل سرمایه و بازدهی سرمایه
- ۴- جهان تراز شدن بنگاه و تولید محصولات و خدمات با فناوری روز
- ۵- افزایش کیفیت زندگی اعضای سازمان با ارتقا سطح بهره وری
- ۶- جلب رضایت مشتریان
- ۷- تداوم موفقیت ها
- ۸- حفظ مصالح و منافع جامعه با رعایت ملاحظات توسعه پایدار

نتیجه گیری:

هدف از ذکر این مسایل دستیابی به فرایندی است که بتواند در قالب کل نگری ولی با بیانی ساده اتفاقات و راه حل هایی را که به ذهن تمامی ذینفعان صنعت کشور بویژه صنعتگران و کارآفرینان می رسد را بنحوی قابل درک ارائه کند، تا بتوانیم در تحقق آرزوهایمان شیوه های نوینی را بیابیم که اتبوه شیفتگان توسعه پایدار میهن عزیزمان را با خود همراه ساخته و به صنعتی کردن کشور نایل گردیم. با این امید که از این رهگذر نظام قابل احترام صنعتی وظیفه خود را به کشور در همه ابعاد و به رسم عاملی تقویت کننده ایفا نموده و به سهم خود آنچنان کمک نظام مند و سرنوشت سازی را بنماید که جامعه ما بتواند جایگاه شایسته خود را در حرکت های جهانی بیابد.

